



بیج اساتید

نشریه بیج اساتید
دانشگاه علم و صنعت ایران



میلاذ
حضرت مسیح علیه السلام
مبارک باد



در این شماره میخوانید:

بیانیه بیج اساتید به مناسبت ۹ دی

مردم از هر آنچه چشم ببوشند،

از ناکار آمدی چشم نمیبوشند

دلنوشته صدمین یک غاز یک بی شناسنامه

نامل بر تعامل

با تمامی ما نمیتوانیم های دولت آشنا شوید

اقامه نماز یا قرائت نماز، کدامیک؟

وسع، تکلیف، سعی



روز بیعت مجدد با رهبری

بیانه بسیج اساتید به مناسبت حماسه نهم دی ماه



ایران جای دارد و بر دل ها حکمرانی دارد و این رمز جاودانگی و پیروزی همیشگی حکومت های الهی و توحید محور است. و اکنون با الهام از کریمه " ان تنصرو الله ینصرکم و یشبث اقدامکم " ملت بزرگ ایران در حال چیدن ثمره نهال نصرت الهی ناشی از نصرت دین خداست. پیروزی محور مقاومت و تثبیت راهبرد مقاومت به عنوان تنها راه غلبه بر شیاطین و زورمداران از جمله این ثمره هاست.

غربگدایانی که با تضرع و التماس به غرب و واگذاری امتیازات نقد و تحمیل میلیاردها خسارت به این ملت بزرگ، در پی گدائی چند امتیاز ناچیز از شیطان بزرگ بودند، اکنون چه جوابی غیر از اظهار پشیمانی و ندامت از اعتماد به غرب برای این ملت بزرگ دارند. جواب آن همه امتیازات نقد بازگشت ناپذیری که دادیم را چه کسی میدهد؟ آیا صرف اظهار ندامت کافی است؟ البته ای کاش به همین اظهار ندامت هم جامه عمل ببوشانند و دست از اعتماد به شیطان بردارند و باور کنند این ندای الهی را که " الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أََوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَلِيتُهُمْ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةُ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا " نساء 139

کسانی که به جای مؤمنان، کافران را به دوستی برمی گزینند، آیا عزت را نزد آنان می جویند؟! در حالی که عزت به تمامی نزد خداست

دانشگاهیان عزیز علم و صنعت ایران اکنون صدای رسای آن مرشد عظیم الشان به گوش می رسد که " فتنه ای به مراتب بزرگتر از فتنه 88

به اهل بیت عصمت و طهارت و ولایت فقیه این اصل وزین قانون اساسی و این تداوم راه ائمه اطهار علیهم افضل صلوات المصلین بود.

از بیست و دوم خرداد 88 تا نهم دی ماه همان سال، هفت ماه طوفانی در تاریخ نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران رقم خورد. 7 ماهی که در آن تمام شیاطین دهر از آمریکا و انگلیس و قدرتهای غربی گرفته تا منافقین و سلطنتطلبها و حاکمان فائزتری حاشیه خلیج فارس، همگی دست به دست هم دادند تا به کمک فتنه گران داخلی ریشه این نظام مقدس را بخشکانند، خیلی تلاش کردند، شاید بتوانند بین ملت دودستگی ایجاد کنند؛ اما نتوانستند و تو دهنی بزرگ را از این ملت قهرمان در نهم دی دریافت کردند. این یک فصل پرافتخار و پرعبرت برای ملت ایران و دشمنانش بود، اگر عبرت بگیرند.

نهم دی ماه فصل تازه ای در بصیرت ملت ایران گشوده شد که باید سرمشق و زمینه ساز حرکت های بزرگ بعدی باشد. دشمنان ما باید پیام نهم دی ماه را بگیرند. آن کسانی که خیال میکردند و میکنند که میتوانند میان نظام و مردم جدائی بیندازند، دیدند و انشاءالله بفهمند که این نظام، مال این مردم است. نهم دی ماه یک حرکت تکرار ناشدنی نیست. تاریخ پس از انقلاب این ملت بزرگ شاهد این مدعاست. امروز و فردا ها هم اگر کوچکترین خطری متوجه این نظام عزیز و ارکان مقدس آن باشد باز هم حماسه نهم دی ماه تکرار خواهد شد. چرا که این نظام در دل ملت بزرگ

"مطمئن باشید که روز نهم دی امسال هم در تاریخ ماند؛ این هم یک روز متمایزی شد. شاید به یک معنا بشود گفت که در شرایط کنونی - که شرائط غبارآلودگی فضا است - این حرکت مردم اهمیت مضاعفی داشت؛ کار بزرگی بود. هرچه انسان در اطراف این قضایا فکر میکند، دست خدای متعال را، دست قدرت را، روح ولایت را، روح حسین بن علی (علیه السلام) را میبیند. این کارها کارهایی نیست که با اراده ای امثال ما انجام بگیرد؛ این کار خداست، این دست قدرت الهی است؛ همان طور که امام در یک موقعیت حساسی درست دید آن مرد نافذ بابه بصیرت، آن مرد « من در تمام این مدت، دست قدرت الهی را در پشت این قضایا دیدم : » به بنده فرمودند خدا. " حضرت امام خامنه ای حفظه الله تعالی "والفتنه اکبر من القتل" فتنه از قتل بزرگتر است (بقره ۲۱۷)

فتنه یعنی خواصی ظاهر فریب، شعارهای حق را با محتوای صددرصد باطل مطرح کنند، و سوار بر موج ناآگاهی عوام الناس شده و بر جان و مال و ناموس و امنیت مردم بتازند. در شرایط فتنه اگر چه کار تشخیص حق از باطل دشوار می شود اما به مدد گوهر بصیرت هنوز امکان پذیر است. و این همان شاخصه عظیم ملت بزرگ ایران بود که حماسه نهم دی را رقم زد.

شاخصه عظیمی که نهم دی ماه را در تاریخ مجاهدات و مبارزات ملت ایران ماندگار نمود، بصیرت و فرصت شناسی این امت بزرگ بود. بصیرتی که ناشی از شناخت و ارادت ویژه این ملت

حل این مشکل از طریق محاکمه و مجازات فتنه گران است چه آنها که در حصرند و چه آنها که متاسفانه آزاد و یا حتی بدبختانه به لطف نفوذی های غربگدا بر مناصب مهم دولتی چنگ انداخته اند.

بسیج اساتید دانشگاه علم و صنعت ایران ضمن گرامیداشت حماسه جاوید و فراموش نشدنی نهم دی ماه، از مسئولین محترم قوه قضائیه می خواهد که هر چه سریعتر مداخلات در برابر فتنه گرانی که کشور را تا پرتگاه سقوط کشاندند و حرمت جان و مال و ناموس این ملت بزرگ را نگاه نداشتند، را تمام نموده و با محاکمه و مجازات این فتنه گران قاطعیت نظام مقدس در برابر هتاکان و مفسدان فی الارض را به اثبات برسانند. این خواسته ملت بزرگ ایران و خانواده شهدا و مستضعفانی است که با خون و جان و مال خود این انقلاب را به پیروزی رسانده و کماکان از آن دفاع می نمایند.

به امید ظهور هر چه سریعتر منجی عالم بشریت حضرت حجه ابن الحسن ارواحنا له الفداء..

نماید. و این حاصل نمی شود مگر اینکه تک تک آحاد ما به وظیفه خود در بصیرت افزایی به خودمان و دیگران اشتراک مساعی نمائیم.

شوربختانه، بعد از روی کار آمدن دولت آقای روحانی و اصرار ایشان بر اعطای امتیازات به طیف غربگدایان جهت جلب آرای منتسب به ایشان، مجددا پای فتنه گران و نفوذی های غربگدا به مناصب کلیدی وزارت علوم باز و برخوردهای جناحی و سیاسی و انتقام جویانه با اساتید ارزشی و دانشمند و حذف و اخراج ایشان به بهانه های واهی آغاز گردید. بر مسئولین محترم وزارت علوم و دانشگاه هاست که بر تسلط ابدی و عاملان نفوذ و فتنه افروزان بر ساحت مقدس علم و دانش خط پایانی بنگارند.

همچنین، این روزها زمزمه های شومی از برخی تربیون های رسمی و از دانشگاه ها و متاسفانه از فیضیه دانشگاه ها، به گوش می رسد که خواستار حل مسئله حصر هستند. این آواهای شیطانی برخاسته از حلقوم هائی است که با سوء استفاده از رحمت نظام از جایگاه متهم به جایگاه مدعی نقل مکان کرده اند. البته خواست ملت بزرگ ایران هم

در راه است. "در فتنه ای که دشمنان مراحل طراحی آن را به اتمام رسانده و در پی اجرای آن هستند، دیگر فتنه گران در عاشورا به هلهله و پایکوبی و آتش زدن علم و کتل تکیه ها نمی پردازند، تا شناخت سره از ناسره اندکی آسانتر گردد.

هدف اصلی فتنه گران در فتنه جدید نشانه رفتن سه ستون اصلی و محکم این انقلاب یعنی اعتماد مردم، وحدت آحاد و اقشار مختلف و در نهایت تضعیف ولایت فقیه می باشد.

ایجاد دو قطبی های کاذب در جامعه مثل دو قطبی های انقلابی و غیر انقلابی به جای دو قطبی واقعی انقلابی و ضدانقلابی، پرداخت حقوق های نجومی و ایجاد اختلاف طبقاتی فاحش اقتصادی، و تلاش در راستای تطهیر چهره کریه شیطان بزرگ از خلال ننگین نامه هائی چون برجام را میتوان از جمله تلاش هائی دانست که جریان نفوذ برای اجرائی کردن فتنه بزرگ به آن دست یازیده است.

عزیزان، آتش فتنه 88 را بصیرت مثال زدنی ملت ایران در نهم دی ماه خاموش کرد ولی آتش فتنه جدید را بصیرتی صدچندان باید تا آن را خاموش





مردم از هر آنچه چشم ببوشند، از ناکارآمدی چشم نمی پوشند

نویسنده: دکتر محمد سلیمانی، عضو هیئت علمی دانشکده مهندسی برق دانشگاه علم و صنعت ایران

مقدس می روند و ادای احترام می کنند و شفا می گیرند. بنابراین نه قداست این شهر پدیده جدیدی است و نه تلاش برای قداست زدایی از آن.

۲- ممانعت از سخنرانی افراد هتاک و دریده دهن گرچه از ترویج فکر انحرافی یا وابسته یا خودباخته جلوگیری می کند و به نحوی ایمن سازی می کند، ولی باید توجه داشت که هر چه این افراد بیشتر سخن بگویند، بیشتر عرض و آبروی خود را می برند و تاریخ مصرفشان زودتر تمام می شود. از طرفی دیگر سخن آنها بیشتر موجب افول سریع تر ستاره بختشان می شود. آیا اگر دکتر سروش به زبان خودش به قرآن حمله نمی کرد و اعجاز قرآن را منکر نمی شد، به این راحتی از صحنه خارج می شد؟ آیا اگر افرادی مثل مهاجرانی و اکبرگنجی و محسن کرپور و آغاجری و غیره با لبهای خود آن توهین ها را بر سر زبان نمی آوردند، به این سادگی قابل طرد شدن بودند؟ تجربه نشان داده است که افرادی که راه انحراف را پیش می گیرند یا خود باختگی را پیشه می کنند و مغرور کف و سوتهای پوشالی می شوند، بر سرعت انحراف خود می افزایند و لذا زودتر سقوط می کنند. آیا اگر آقای علی

هنوز است نمایان است و موجب لعن و نفرین ابدی برای او شده است.

این عده در این روزها برای برچیدن شعار مرگ بر آمریکا و شکستن قداست مشهد مقدس از هیچ کوششی فروگذار نکردند و رسانه ها و فضای مجازی وابسته به آنها تمام عیار و تمام قد برای رسیدن به این مقصود تلاش کردند و به بهانه لغو یک سخنرانی تا توانستند به نیروهای انقلابی خصوصاً امام جمعه شریف مشهد مقدس تاختند. ورود رئیس جمهور ایران به این موضوع تلاش مذکور را به سقف آسمان رساند، اجازه می خواهم چند نکته در این ارتباط عرض کنم:

۱- مشهد از دیرباز مشهد مقدس نام گرفته است. قرنهایست دل عاشقان به این سمت و سو است. قرنهایست گفته شده است "اغیا مکه روند و فقرا سوی تو آیند". بارها در طول چند قرن قلدرها و اجنبی ها و اجنبی پرست ها تلاش کردند تا قداست زدایی کنند و هر بار مردم با دادن خون ممانعت کردند. هر سال میلیون ها نفر از داخل و خارج کشور به زیارت علی بن موسی الرضا (ع) در این شهر

این روزها عده ای با حضور خود در مراسم اربعین کربلا موجب شگفتی و توجه نظر جهانیان شدند و شکوهی آفریدند که در تاریخ و طول و عرض جغرافیایی بی نظیر است. حضور میلیون ها انسان عاشق گوشه ای کوچک از جامعه مهدی (ع) را به نمایش گذاشت. مشاهده و درک اخلاص، سخاوت، بذل و بخشش، عدم احساس مالکیت، از خود گذشتگی، عشق، محبت، عزت، یکی شدن و وحدت، ارادت، خدمتگزاری و خادمی خلق الله، عدالت، تلاش، خستگی ناپذیری، آوردن همه مایملک به صحنه، مهربانی، کرامت انسانی، دوری از گناه، احترام به یکدیگر، اطاعت، اخلاق، صبر و مقاومت، همکاری و همیاری، همبستگی دینی، دل بردن از دنیا، عزم و اراده، در این مراسم امکان پذیر و سهل بود.

عده ای نیز با طراحی و برنامه ریزی سرگرم شکستن قداست ها، خصوصاً در رابطه با مشهد مقدس بودند. مشهدی که قرنهایست این قداست را حفظ کرده است. حتی شاهان را مجبور به رفتن با پای پیاده کرده است. لکه ننگ حمله به مسجد گوهر شاد بر پیشانی رضا خان قلدر، آن شخص پلید، هنوز که

مطهری آن جسارت را به امام رضا (ع) نکرده بود، امروز این قدر نفرت برای خود می آفرید؟ درست است که این جسارت دل هر انسان آزاده ای را، خواه مسلمان و خواه نامسلمان، می آزد و متأسف می کند و غمگین می نماید، ولی چند برابر آن ماهیت ها رو می شود و افول سریع می گردد. آیا اگر فردی نظیر صادق زیبا کلام، تمام قد از رضا خان قلدر جنایتکار با زبان خود حمایت نمی کرد و با زبان خود خواستار حذف شعار مرگ بر آمریکا نمی شد و یا آن دروغ عظیم را به امام خمینی (ره) نمی بست که امام ضد استکبار نبوده، یا از گذشتن روی پرچم رژیم اشغالگر امتناع نمی کرد، امروز این چنین و تا این اندازه در ذهن و فکر مردم منفور می شد؟ مردمی که از وقتی امام را دیده یا شناخته اند، ندای مرگ بر آمریکا و استکبار ستیزی او مبنای حرکت و تحولات بزرگ در دنیای امروز شده است. دیگر این دکتر در نزد مردم و آزادیخواهان و دولتمردان و استقلال طلبان و مبارزان، دکتر نیست. بلکه جنازه ای است متحرک. دیگر این مرد، مرد و تمام شد و تاریخ مصرفش به پایان رسید و بزودی راه انزوا پیش می گیرد. این جنازه دیگر با دم عیسی روح الله هم حیات پیدا نمی کند. منحرفین باید فکر عنصر خودباخته و منحرف کننده دیگری باشند. پس باید گذاشت این تیپ افراد بیشتر حرف بزنند و آنچه در دل دارند را زودتر به لبان خود بیاورند و ماهیت خود را شفاف کنند.

۳- اما ورود رئیس محترم جمهور کشورمان به این موضوع را می توان از چند منظر بررسی کرد. یکی اینکه قابل فهم و درک است که آرای رئیس جمهور ریزش و سقوط بهمنی کرده است. نتایج نظرسنجی ها هر روز موجب پریشانی بیشتر می شود. لذا باید مترصد چنین فرصت هایی بود تا شاید بتوان چند رأی جمع آوری شود. ولی کار از کار گذشته است. مردم از رئیس جمهور کشورشان طلب اشتغال، وام، رونق اقتصادی، رفع رکود، جلوگیری از تعطیلی کارخانجات، توسعه و عمران و آبادی، می خواهند، که دست ایشان در همه این زمینه ها کوتاه است و خالی. مردم در این ۳۸ سال مرتب شاهد بوده اند که عده ای هر چه بیشتر دم از آزادی بیان زده اند، در عمل سختگیری بیشتری کرده اند و منتقدان را کوبیده اند و موافق خود را فقط میدان داده اند. این وجه در دولت یازدهم از برجستگی خاصی برخوردار است. صراحتاً و عملاً اعلام و اجرا می شود که اگر رسانه ای منتقد یا مخالف دولت است، باید بمیرد و باید بسته شود و شکایت دولتی نصیبش می شود. اگر خبرنگاری خبری را منطبق بر منویات دولت طرح نکرد و صحبت از حقوق های نجومی کرد و یا مشکلات واقعی مردم را بیان کرد، باید اخراج یا منزوی شود. بنابراین اگر بیانیه سیاسی رئیس جمهور در مورد لغو سخنرانی مشهد به این منظور صادر شده باشد، باید مطمئن باشند که مردم به این نوع بیانیه ها توجهی نخواهند کرد.

از منظر دیگری برجام به فرجام نرسید. برجام به جنازه ای بی خاصیت به ضرر ایران و پُر خاصیت به نفع دشمنان تبدیل شده است. لذا رئیس محترم جمهور عصبانی هستند و لذا در این گونه مواقع زود دست به حکم می شوند و حکم صادر می کنند. غافل از اینکه صدور حکم در زمان عصبانیت را هیچ کس توصیه نمی کند. درست است که به دلیل افزایش ۳۰٪ بیکاری در دولت یازدهم، سه برابر شدن نقدینگی، بردن پولها توسط نجومی بگیران، اختلاس های چند هزار میلیاردی و دستبرد به سرمایه قشر زحمت کش تعلیم و تربیت، تعطیلی کارخانجات با قدمت ۷۰ ساله، زمزمه عبور از روحانی، بی اعتباری پاسپورت ایرانی، قطع رابطه با کشورهای اسلامی منطقه، گرانی و عدم همخوانی نرخ تورم اعلام شده با جیب مردم، تخصیص فقط و فقط حدود ۱۰٪ بودجه عمرانی به عمران و آبادی کشور، تعطیلی کارگاه های سازندگی کشور، دو و نیم برابر شدن بودجه جاری دولت و پُر خرجی دولت، رکود در مسکن و صنعت فولاد و سیمان، زمین گیر شدن کشاورزان و عدم پرداخت به موقع مطالبات آنها، عدم پرداخت وام های ازدواج، عدم توزیع سبد کالا، تناقض در آمارها، نزدیک به بن بست رسیدن طرح تحول پزشکی، عدم رضایت اکثریت معلمان کشور، بالا رفتن میزان مالیات دریافتی از بنگاه های کوچک و بزرگ، کاهش قدرت خرید عموم، ترس جدی از یک دوره ای شدن این رئیس جمهور، عدم اثرگذاری مثبت برجام بر سفره



در هاون کوبیدن است و در طول تاریخ بارها قلدرها اقدام کرده اند و شکست خورده اند. کافی است مردم حاضر در اربعین یکبار در مشهد جمع شوند و طومار هتاکان را برچینند .

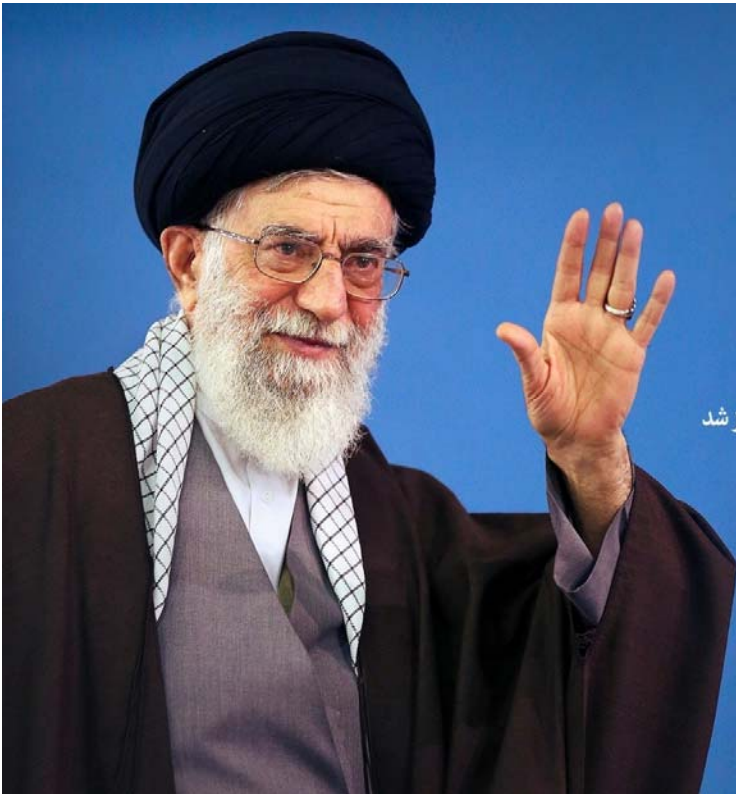
ثالثاً دولت عصبانی موجب اشتباهات گسترده تر و عمیق تر می گردد و ریزش رأی جدی تر و فراگیر تر می شود. دولت عصبانی میدان عمل را رها می کند و به حاشیه می رود و سودی عاید ملت نمی کند. لذا عمر خود را کوتاه تر می کند. مردم از هرآنچه چشم ببوشند از ناکارآمدی چشم نمی پوشند و شعار دهندگان "ما نمی توانیم" را خانه نشین می کنند و افراد معتقد و مؤمن به "ما می توانیم" را به میدان می آورند.

مرتب به جاده خاکی می زند. به جای عصبانیت باید برای مردم کار کرد، مشکلات مردم را حل کرد و در وسط میدان خدمتگزاری بود. با فحش و حمله و دری وری گفتن به منتقدین و سایر قوا، گشایشی ایجاد نمی شود و رأی آنچنانی جمع نمی شود. بلکه ناکارآمدی بیشتر می شود و شیب ریزش رأی صعودی تر می گردد.

بنابراین باید اولاً امکان سخنرانی بیشتر برای افراد مغروری که راه انحراف یا خود باختگی در پیش گرفته اند فراهم گردد تا زودتر خودشان با زبان خودشان تکلیفشان را با مردم روشن تر کنند .

ثانیاً دولت باید متوجه گردد که کسی قادر به قداست زدایی از مشهد مقدس نیست و این کار آب

مردم، قطع خاموش و بی سر و صدای یارانه ها و متوجه شدن مردم از آن، افزایش بی رویه قیمت حامل های انرژی، سرسختی و عدم همراهی کدخدا، عدم تحقق رشد اقتصادی مورد نظر، اجبار دولت به حمایت از نجومی بگیرها، برادران و مشاوران مصیبت آفرین و دردسر ساز و پرحاشیه، اجبار به تعویض وزرا در سال آخر دولت، همه و همه در دولت یازدهم موجب عصبانیت و نگرانی می شود، ولی باید بر عصبانیت چیره شد. فرد عصبانی همیشه بازنده است. هر چه حاشیه سازی بیشتر و گرد و غبار درست کردن بالا رود، برخلاف مصلحت دولت مستقر است و ظاهراً گوش شنوا نیست. ناکارآمدی دولت و رئیس دولت با عصبانیت بیشتر می شود. دولت عصبانی عنان مدیریت را از دست می دهد و

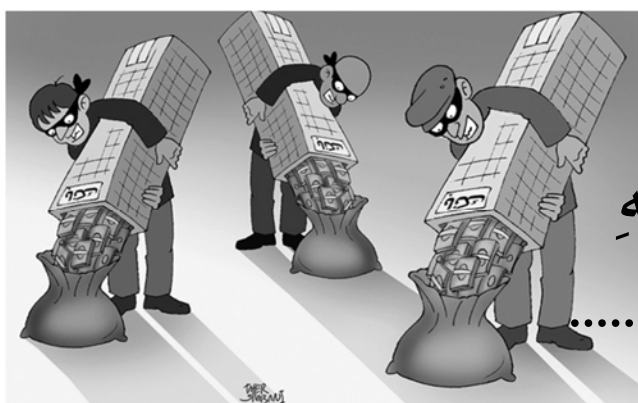


اردیبهشت ماه
"یک"

کلید حل مشکلات اقتصادی در لوزان و ژنو و نیویورک نیست

برای حل مشکلات اقتصادی باید روی مسئله تولید داخل متمرکز شد

۱۳۹۴/۰۲/۰۹



دلنوشته صدمن یک غاز یک صغیر ترسوی بی شناسنامه بی سواد تازه به دوران رسیده

نویسنده: دکتر احمد چلداوی، عضو هیئت علمی دانشکده مهندسی برق دانشگاه علم و صنعت ایران

تا مقاله مان را ممنوع چاپ و خودمان را ممنوع القلم نکرده این وزارت ارشاد ملت اسلام... اما سر بسته می گویم که بی شک "إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ" (رعد ۱۱) و این سنت الهی است و "لَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا" (احزاب ۶۲). پس چاره کار بی شک به دستان خود ماست. اما چگونه؟ خواهیم گفت ان شاء الله در خرداد ۹۶....

.....!پیزود دوم:.....

سال ها پیش برای ارائه مقاله ای به چین سفر کردم. در آنجا از یک استاد دانشگاه از حقوقش پرسیدم که متوجه شدم حقوقشان کمتر از حقوق یک استاد دانشگاه در ایران است. دومین اقتصاد بزرگ دنیا را چین بر اساس قناعت و بنگاه های کوچک زودبازده بنا نموده است. مثلاً یکی از این کارگاه ها که تولید سنجاق سر زنانه دنیا را تقریباً در انحصار دارد در دو شیفت حداقل کار می کند و درآمد مدیران و صاحبان این کارگاه در حد یک کارمند ساده در ایران است. پس می شود با قناعت و البته عدالت یک اقتصاد بزرگ و مقاوم ساخت. در تاریخ هم ملت بزرگ ایران ثابت کرده اند که با فقر و ناداری به راحتی کنار می آیند اما با ظلم و ویژه خواری هرگز. آفت اقتصادهای بزرگ هم وجود ویژه خوارانی است که هرگز به حق خود قانع نبوده و همواره در صدد چپاول حقوق زیر دستان و مصادره آن به نفع خودشان و استفاده از تسهیلات ویژه برای پر کردن جیب خود و فرزندانسان هستند. وجود این ویژه خواران را نباید دست کم گرفت. چینی ها به خوبی به نقش مخرب این ویژه خواران

خلاصه از هر دری سخنی بود تا اینکه صحبت میهمانان رسید به اینکه پایان سال است و نباید بگذاریم سال بر پولهایمان در بانک بگذرد و بهتر است پولمان را تبدیل به سکه کنیم. هر کدام رقمی می گفتند مثلاً یکی گفت، گفتیم ۱۵۰ تا سکه برام بیارن خونه. دیگری مثلاً می گفت ۵۰۰ تا قراره بیارن خونه، دیگه ته حسابمو در آوردم. ... یه جا هم یکیشون به دیگری گفت "گفتم یه دو تومنی بدن به فلانی برای فلان کار". خلاصه من حسابی گیج شده بودم که بابا این میلیاردرهایی که می گن دیگه ته حسابشون ۵۰۰ تا سکه هست که همچنین خیلی هم میلیاردر نیستن... تو این فکر بودم و میخواستم افاضه ای هم داشته باشم که یکی از رفقای مثل اینکه فکرم رو خونده باشه بهم تلنگری زد و گفت: بابا هر دونه سکه که اینا میگن منظورشون جعبه صدفی سکه است. ... واحد پول اینجا هم میلیارد. دو تومان اینجا یعنی دو میلیارد تومان... خلاصه جول و پلاس رو جمع کردم و به بهانه ای زدم بیرون و دیگه اونورا پیدام نشد."

وقتی این ماجرا را از زبان دوستم شنیدم خیلی تاسف خوردم به خاطر دو چیز: اولاً، از شکاف عمیق طبقاتی در ملتی که یکی از اهدافش از انقلاب، سرنگونی ویژه خواران و برقراری عدالت بود و ثانیاً، از اینکه ما که قشر فرهنگی و قلم بدستان جامعه هستیم چرا از این شکاف بزرگ مردم را آگاه نمی کنیم و چرا این مردم برای نجات از این وضع چاره ای نمی اندیشند.... واقعاً تصور نمی کردم روزی در دهه چهارم انقلاب دست به قلم ببرم و از لزوم ایجاد عدالت در جامعه بنویسم. تو گویی زمانه به عقب برگشته و ... بگذریم

جمعه است امروز. اخبار ساعت ۱۴ را گوش می کنم. باز هم سر خط اخبار رسانه ها بسیار نگران کننده است. این روزها مجدداً خبر یک اختلاس جدید بانکی را می شنوم، مبلغی بیش از ۱۰۰۰ میلیارد تومان. باز هم در دو بانک بزرگ دولتی... تا کی اخبار اختلاس های میلیاردی و دیگر هیچ... فقط چند روز بوق و کرنا و بعدش... سکوت و انکار و حتی طلبکار شدن بدهکاران... با ناراحتی تلویزیون را خاموش می کنم و دست به قلم می شوم

.....!پیزود اول:.....

یکی از همسایگانم که پزشک است و البته وضع مالی خوبی دارد روزی ماجرای یک میهمانی اشرافی که با رودربایستی مجبور شده بود در آن شرکت کند را چنین برایم تعریف کرد: "یکی از مراجعین میلیاردرم روزی مرا به منزلش برای یک جشن دعوت نمود. من اولش عذر خواستم ولی با اصرار ایشان ناچار پذیرفتم. آدرس را که داد حسابی پشیمان شدم. یکی از برج های بسیار گرانیقیمت شمال تهران. همان برجی که فوتبالیست معروف کشور در آنجا سکنی دارد. با یکی از دوستانم مطرح کردم که با لکسوس بروم. با خنده معنی داری گفت: بابا لکسوس چیه، شنیدم لکسوس اتومبیل مستخدمین آن برج هستش و ماهی چند روز برای تعطیلات به آنتالیا می روند.... خلاصه قرار شد اتومبیل را محترمانه در فاصله ای دورتر پارک کنم و پیاده به محل بروم. مستخدمین با لباس های شیک و خیلی مبادی آداب ما را تا درب آپارتمان جناب میزبان میلیارد راهنمائی نمودند....

در اقتصاد و فرهنگ و امنیت کشورشان پی برده و راه را بر هر گونه اختلاس و ویژه خواری با وضع قوانین و اعمال مجازات های کمرشکن بسته اند. در کشور چین بدون هیچ اغمازی تمامی این اختلاس گران به طرز فجیعی مجازات و در بسیاری از موارد اعدام می شوند.

اختلاس گران ۳ هزار میلیارد تومانی و ۸ هزار میلیارد تومانی و افرادی چون بابک زنجانی با آن خانه ۶۰۰ میلیارد تومانی به تنهایی قادرند اقتصاد یک کشور را نابود سازند. این مفسدان اقتصادی دو ضربه مهلک بر پیکر اقتصاد کشور وارد می نمایند. ضربه اول اختلاس در سیستم بانکی و مالی کشور است و ضربه دوم ایجاد یاس در دل های کارپیشه گان و کارآفرینان واقعی. و به نظر اینجانب این ضربه دوم بسیار نابودکننده تر از آن ضربه اولی است. چنین افرادی اگر در سیستم اقتصادی کشور چین (یا حتی خود آمریکا) ظاهر شوند، خیلی زود محاکمه و مجازات می شوند تا اعتماد مردم به سیستم اقتصادی کشور که در حقیقت مهمترین عامل سرپا ماندن آن سیستم است از هم نپاشد.

جوانی که می خواهد با تلاش و کار، در عرصه اقتصاد کشور نقش آفرینی و روزی حلال کسب کند. وقتی تلاش می کند و شبانه روز زحمت می کشد و عرق می ریزد اما می بیند تا رسیدن به حتی کوچکترین الزامات یک زندگی ساده از جمله مسکن و اتومبیل و ازدواج فرسنگ ها فاصله دارد، و از طرفی می بیند ویژه خواری هستند که بدون ریختن قطره ای عرق از جیب، به کذا و کذا رسیدند چه حالی خواهد داشت؟ آیا همان احساسی که نسل انقلابی ما را در زمان پهلوی با شعار مرگ بر ظالمین به خیابانها کشاند، به او دست نخواهد داد. او از خودش می پرسد "من دیگر باید چکار کنم. چرا با تلاش شبانه روزی و صادقانه هنوز هشتم در گرو نهم است و چرا بعضی ها بدون هیچ تلاشی به ناکجا ها که نرسیده اند؟"

او می بیند که سال ها زحمت کشیده اما هنوز اجاره نشین است و مجبور است برای اداره یک زندگی سه نفره دو جا کار کند و برای گرفتن یک وام ده میلیونی با سود بالای ده درصد برای اشتغال فرزندش ماه ها از این بانک به آن بانک کوچانده شود و آخرش هم هیچ. اما برخی میلیارد ها تومان، از بانکی که اتفاقا دارائی اش را هر ماه با کسر ۵ درصد از حقوق قشر مستضعف تامین نموده، وام می گیرند آن هم با سود زیر ۵ درصد. وقتی او می بیند بانکی که اساسا برای حل مشکلات او و با

سرمایه های اندک امثال او تاسیس شده است حالا به محملی تبدیل شده برای اختلاس ویژه خواران آقا زاده منتسب به طیف سیاسی خاص (همان طیفی که قرار بود مشکلات اقتصادی اش را صد روزه حل کنند) چه حالی پیدا خواهد کرد

.....!پیزود سوم.....!.....

گفته می شود که میزان نقدینگی در کشور از مرز ۱۰۰۰۰۰۰ میلیارد تومان (یک میلیون میلیارد تومان) گذشته است. البته اکثر این نقدینگی در بانک ها به امانت گذاشته شده است. این یعنی حدود ۲۸۰ میلیارد دلار سه هزار و ششصد تومانی!!!

در کشور ما هزینه اشتغال زائی برای یک نفر به طور میانگین در حدود ده میلیون تومان است. به عبارت دیگر با هر یک میلیارد تومان تقریبا برای یکصد نفر و با هر هزار میلیارد تومان برای یکصد هزار نفر می توان اشتغال ایجاد کرد. خوب با یک حساب سرانگشتی می بینیم با سرمایه های همین مردم در بانک ها می توان ریشه بیکاری و خلف شوم آن یعنی فقر و فحشاء و جرم و جنایت را در کشور خشکاند.... البته به شرطها و شروطها...

اگر اختلاس هشت هزار میلیاردی صورت نمی گرفت و به جای آن برای اشتغال زائی به کار گرفته می شد، با آن می شد برای ۸۰۰ هزار نفر اشتغال دائم ایجاد کرد. منظور از اشتغال زائی، شغلی است که حداقل یک خانواده سه نفره را تامین کرده و هر سال بتواند ۲۰ درصد سرمایه را باز تولید نماید و بدین ترتیب بعد از ۵ سال کل سرمایه را مجددا برای ایجاد اشتغال های دیگر آزاد می نماید. وقتی اشتغال ایجاد شد باید توجه کرد که ازدواج تسهیل می شود، امنیت روانی ایجاد می شود و ده ها عامل مثبت دیگر نیز در جامعه تزریق می شود. بنابراین عرصه های مختلف کشور از جمله سلامت روحی و روانی مردم، عرصه فرهنگی و حتی امنیت کشور نیز تابعی از اشتغال زائی در کشور هستند.

.....!شاید حرف آخر.....!.....

...دلم می خواهد باز هم بنویسم از ظلمی که بر این ملت بزرگ و مظلوم روا داشتند و به اسم حقوق های نجومی و قانونمند بر این ملت تحمیل کردند و اولش قول دادند برخورد کنند و بعد هم گفتند اینها حقشان بوده و ذخایر نظام بودند و هیچ خلائی رخ نداده و آخرش هم طلبکار شدند

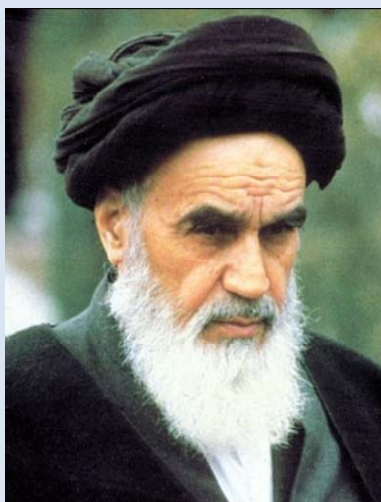
.... تازه هنوز نوبت به کارانه های میلیاردی در بخش سلامت نرسیده...

...دلم می خواهد با اعداد و ارقام و خیلی ساده نشان دهم اگر فقط برای یک سال، فقط یک سال، آن حقوق های نجومی و کارانه های میلیاردی را نمی گرفتند و به حقوق معمولی اشان (که آن هم چند برابر متوسط جامعه است) قانع می شدند، چگونه می توانستند ریشه فقر و بیکاری را با یک برنامه ریزی دقیق چند ساله در کشور بخشکانند

.....!اما خیلی خسته ام این بماند شاید برای دلنوشته ای دیگر.....

...عصر جمعه است. سنگینی یک غم به بزرگی آه یک ملت مظلوم دلم را می فشارد. نمی دانم این خاصیت عصر جمعه است برای منتظران، یا اثر آن خبر شوم اخبار ساعت ۱۴...

این روزها تمام امیدها فقط به یکی است... فقط یکی..... همین.... والسلام



... طبقه محروم، طبقه گودنشین، طبقه ای که این نهضت را به ثمر رساند و توقعی هم نداشت. من شما طبقه گودنشینان را از آن کاخ نشینان بالاتر می دانم؛ اگر آنها لایق این باشند که با شما مقایسه بشوند. من وقتی که در انقلاب می دیدم که یک پیرمردی از آن گودنشینها از آن منزل محقر خرابه بیرون می آمد و می گفت که ما با بچه هایمان صبح که می شود می رویم برای تظاهرات، آمباها می کردیم. یک موی شما بر همه آن کاخ نشینها و آنهايي که در این انقلاب هیچ فعالیتی نداشتند، بلکه کارشکنی هم تا آن اندازه که می توانستند می کردند و الان هم هر مقدار که بتوانند می کنند، یک موی شما بر همه آنها ترجیح دارد؛ بلکه مقایسه یک موی شما با آنها نباید صحیح باشد ...

صحیفه امام، ج ۱۴، ص: ۲۶۲

تأمل برای تعامل



جناح بندی های دانشگاهی
از واقعیتها تا فریبکاری استکباری
دو قطبی کردن فضای دانشگاه ها،
از ضرورت تا فریب

نویسنده: مهندس عبدالحمید نقره کار، عضو هیئت علمی دانشکده معماری دانشگاه علم و صنعت ایران

و هدایت رهبری، دچار تنازع و براندازی یکدیگر نمی‌شوند بلکه با مباحثه علمی و تعامل مبتنی بر خیرخواهی و تقوا باعث رشد و تکامل یکدیگرند و در فضائی برادرانه و با نشاط مسابقه در خیرات دارند. اما عوامل نفوذی استکبار با اصل نظام و اسلام انقلابی و تمدن ساز مشکل دارند، بریده از حق و عدالت و برده هواهای نفسانی خود و استکبار جهانی هستند، آنها در عمل پیاده نظام صهیونیستها و امپریالیستهای نژاد پرست در ایجاد جنگ داخلی و بر اندازی مخملى هستند.

عوامل نفوذی در داخل دانشگاه ها بسیار اندک و نادرند، اما چون منافقانه عمل میکنند و از طریق رسانه های استکباری حمایت میشوند، میکروبهای سرطان زا و فساد انگیزند. مقام معظم رهبری میفرمایند: طبقه بندی های (انقلابی و غیر انقلابی) کار استکبار است، طبقه بندی واقعی اکثریت مسلمان و (انقلابی) و اقلیت مزدور و وابسته (ضد انقلاب) است.

اساتید این فرماندهان جنگ نرم، دانشجویان این افسران و دلاور و رشید و کارکنان متعهد و انقلابی، هرگز اجازه خودنمایی وصف آرائی به فریب خوردگان دشمن و اسلام ستیزان (ضد انقلاب) در داخل و خارج از دانشگاه، نخواهند داد.

آینده از آن اسلام انقلابی است.

یعنی کسانی که پای عهد و پیمان خود پایدارند در مقابل عهد شکنان،

۲ - پیامبر اکرم (ص) میفرماید: اختلاف امتی رحمت.

انسانها خود آگاه یا ناخودآگاه چه در نظر و چه در عمل، از اصولی پیروی می کنند.

آیا اصولاً، انسانها میتوانند خود آگاه یا ناخودآگاه در عرصه عمل پیرو اصولی مثبت یا منفی نباشند؟ هرگز،

اینجا پیروان شیاطین جن و انس مغالطه و فریبی ایجاد نموده اند.

بحث اصلی که عامدانه در جهت فریب مردم پنهان شده است، موضوع (کدام اصول) است؟

اصولی که پیروی از هواهای نفسانی (نفس اماره) و پیروی از شیاطین جن و انس (استکبار جهانی و افراد و احزاب نفوذی) است، یا اصولیکه پیروی از مکتب الهی اسلام و تجلی آن در نظام جمهوری اسلامی یعنی (قانون اساسی) و جایگاه (ولایت فقیه) است؟

بنابراین فریب اصلی، موضوع (کدام اصول) است. اصول (الهی و اسلامی) یا اصول (شیطانی و استکباری). عجب فریبی.

در کشور و در دانشگاه ها، ما دو رویکرد حقیقی و واقعی داریم، یکی رویکرد (مؤمنین و متعهدین به نظام جمهوری اسلامی ایران) و دیگری رویکرد (عوامل نفوذی شیاطین و استکبار جهانی).

مؤمنین به نظام اسلامی را (امت اسلامی) میدانیم، که به (قانون اساسی و ولایت فقیه) متعهد هستند و پیامبر اکرم (ص) اختلاف آنها را نیز مایه (رحمت) دانسته است^۲، زیرا مبتنی بر قانون اساسی

۱- حضرت علی علیه السلام هم انسانها را به چهار طبقه (مؤمنین و ناکثین و مارقین و قاسطین) تقسیم مینماید.

طبقه بندی دیدگاه، در علوم انسانی کاری است، منطقی و اسلامی.

خداوند نیز در سوره حمد، انسانها را به سه طبقه تقسیم مینماید، (نعمت داده شدگان، مورد غضب واقع شدگان و گمراهان)

در ابتدای سوره بقره نیز خداوند انسانها را به چهار گروه (مؤمنین، کافرین، مشرکین و منافقین) تقسیم مینماید^۱

فرعونهای زمانه و استکبار جهانی نیز، انسانها را طبقه بندی مینمایند (سفید پوستان و سیاه پوستان)، (غربی و شرقی)، (تندرو و محافظه کار)، (چپ و راست)، (سنت گرا و نو گرا)، (اصول گرا و اصلاح طلب) و غیره...

طبقه بندی های اسلامی با انگیزه و نیت هدایت و نجات انسانها از گمراهی و ظلم و فساد و ایجاد برادری و صلح صورت میپذیرد.

طبقه بندی های فرعونى و استکبارى با انگیزه و نیت (اختلاف بیانداز و حکومت کن) صورت گرفته است و میگیرد. نظیر ایجاد (طالبان، القاعده و داعش) و ایجاد اسلام تقلبی و تکفیری، برای مقابله با اسلام حقیقی و بیداری مسلمانان جهان.

حزبی در کشور خود را (اصلاح طلب) و نام رقیب خود را (اصول گرا) گذاشته است.

آیا بدون داشتن (اصول و معیارهای مشخص) میتوان وضع موجود را ارزیابی و اصلاح نمود؟! نتیجه میشود (احزاب بادی)

ما توانیم ما توانیم ما توانیم ما توانیم ما توانیم ما توانیم

با تمامی "ما نمی توانیم" های دولت یازدهم آشنا شوید

نویسنده: دکتر محمد سلیمانی، عضو هیئت علمی دانشکده مهندسی برق دانشگاه علم و صنعت ایران

میلیون ریال در ماه نجومی بگیر هستند. اگر این مبلغ به عنوانه سقف در نظر گرفته شود به جرأت می توان گفت تعداد به بالای ۴۰۰۰ نفر می رسد.

۵- خروج از رکود: دولت در ۴۱ ماه گذشته عملاً ثابت کرد که "نمی تواند" اقتصاد را از رکود خارج کند. تعطیلی و نیمه تعطیلی بیش از ۱۵ هزار واحد صنعتی و بیکاری آشکار و پنهان بیش از ۶ میلیون ایرانی و اشتغال زائی منفی و رشد صنعتی منفی و غیره، علی رغم عدد سازها و دستکاری در آمارها و تغییر مبنای تهیه آمار، همه و همه ناتوانی دولت را نشان داد. دولت با اعلام "وارد کردن مدیر از خارج" عملاً اعلام کرد: "ما نمی توانیم" چرخ اداره و مدیریت را بچرخانیم. دولت اعلام کرد: "توان" صنعت در حد "تولید آبگوشت بز باشی" است و در نتیجه ناتوانی خود را در بهبود صنعت همراه با ناامیدی تأکید کرد. انسان یاد دولتمردانی نظیر "رزم آرا" می افتد که می گفت: ما لیاقت آفتابه گلی هم نداریم.

۶- دفاعی: وزیری از دولت در جمع دانشگاهیان گفت آمریکا با یک بمب می تواند ما را از کار بیاندازد و "ما نمی توانیم" هیچ کاری نکنیم. گرچه بعداً نسبت به آن تشکیک شد. ولی واقعیت این است که تشکیک بعد از بازدید از امکانات دفاعی صورت گرفت.

۷- بیکاری: وزیری از دولت اعلام کرد که هر دقیقه یک بیکار به سیل بیکاران کشور اضافه می شود و عملاً دستها را بالا برد که در مورد اشتغال "ما نمی توانیم" کاری نکنیم و "ما نمی توانیم" بیکاری را علاج کنیم. آب پاکی روی دست همه خانواده های گرفتار ریخت.

به کم رفت و رکود حاصل از آن صناعی چون فولاد و سیمان که ستاره های صنعت ایران هستند را کم فروغ یا بی فروغ کرد. دولت با عمل خود گفت "ما نمی توانیم" برای مسکن کاری کنیم.

۳- قطع یارانه پر درآمدها: دولت یازدهم چه در زمان انتخابات و چه بعد از روی کار آمدن، همواره شعار داد که بی خودی به پر درآمدها یارانه داده اند و باید قطع شود. وقتی مسأله جدی شد و مجلس دست دولت را برای حذف پر درآمدها باز گذاشت، از آن زمان دولت اعلام کرد: "ما نمی توانیم" یارانه پر درآمدها را حذف کنیم. گرچه به صورت چراغ خاموش یارانه بسیاری از خانواده های متوسط را قطع کردند.

۴- خلع نجومی ها و محاکمه آنها و باز پس گیری آنچه از بیت المال غارت کردند: بعد از افشای فساد گسترده مدیران در دولت یازدهم بابت دریافت های نجومی مستمر و پاداشهای کلان، دولت به ملت قول داد: هم اسامی نجومی بگیرها را منتشر کند و آنها را خلع و هم مال رفته را به بیت المال برگرداند و هم متخلفان را به محاکم قضائی معرفی کند. ولی دیری نپایید که دولتمردان مختلفی از دولت یازدهم اعلام علنی و رسمی کردند که "ما نمی توانیم" چنین کنیم. بعداً دولت از معدود افراد خلع مدیریت شده نیز با اطلاق "ذخایر انقلاب" عذر خواهی کرد. اگر گزارش دیوان محاسبات در جلسه علنی مجلس نبود، دولت قصد داشت آن را کاملاً ماستمالی کند. اگر چه هنوز هم دولت شعار "ما نمی توانیم" را در این قضیه سر می دهد و پیگیری می کند. با نفوذ دولتیان سقف در آمد ماهانه دویست میلیون ریال در نظر گرفته شد، تا تعداد نجومی ها به حدود ۴۰۰ نفر برسد، والا هر عقل سالمی می داند که دریافت کنندگان بالای یکصد

اکنون که حدود ۴۱ ماه از دولت یازدهم گذشته است و حدود ۵ ماه دیگر انتخابات ریاست جمهوری برگزار می گردد، جا دارد دلایل ناکامی های دولت یازدهم از همه ابعاد بررسی شود. مهمترین علل ناکارآمدی دولت یازدهم در این ۴۱ ماه گذشته به "نتوانستن" بر می گردد.

دولت از اول شروع به کار همه چیز را به برجام گره زد و عملاً راهبرد "ما نمی توانیم" را برای سایر حوزه ها در پیش گرفت. در گفتار و در عمل دولتمردان، فراوان به عبارت "ما نمی توانیم" برخورد می کنیم. اجازه می خواهم فهرستی هر چند مختصر و غیر کامل، از بیان و اصرار دولتمردان بر محور "ما نمی توانیم" ارائه نمایم تا روشن گردد که اصولاً راهبردها و تاکتیک ها حول این محور بوده است:

۱- کارت سوخت: دولت صراحتاً اعلام کرد که "ما نمی توانیم" کارت سوخت را ادامه دهیم و پی گیری جدی نمود تا مصوبه حذف آن را از مجلس گرفت. ولی واقعیت رشد قاچاق سوخت به خارج واقعیتی است که تزلزل ایجاد کرده است. همه کارشناسان معتقدند این ناتوانی دولت موجب خسارات سنگین در افزایش مصرف سوخت خصوصاً بنزین و گازوئیل می گردد که عمده افزایش آن مربوط به قاچاق خواهد بود. همین امر وضع درآمدی دولت را بدتر از گذشته خواهد کرد و به ناکارآمدی دولت در ۵ ماه آینده خواهد افزود.

۲- مسکن: دولت یازدهم از روز شروع گفت "ما نمی توانیم" مسکن مهر را ادامه دهیم. بارها آن را با عباراتی نظیر "مزخرف"، "بمب" و "تورم زا" نواخت. قولهایی به نام "مسکن اجتماعی" و غیره عملاً اجرائی نشد. در نتیجه مسکن که حدود ۳۰٪ اقتصاد ایران را تشکیل می دهد در ۴۱ ماه گذشته

۸- عمران و آبادی: وزیر راه و شهرسازی رسماً اعلام کرد "ما نمی توانیم" پروژه های بزرگ را به سرانجام برسانیم و پروژه های عظیمی نظیر آزاد راه شمال را باید به ایتالیائی ها بدهیم و نهایت تلاش را می کند تا قرار داد نهائی شود. یا وزیر نیرو رسماً ساخت نیروگاه را به ترکیه می دهد و با این عمل صراحتاً اعلام کرد "ما نمی توانیم" نیروگاه بسازیم. در حالیکه ایران سالها است جزو کشورهای سازنده نیروگاه بوده است و به آن افتخارها کرده است.

۹- معیشت: در حوزه معیشت و تأمین آن کار به جایی رسیده است که دولت در صدد واگذاری تهیه غذای قطارها به اتریش است و می گوید "ما نمی توانیم" خودمان انجام دهیم. در حالیکه مؤسسات ایرانی در ایام عاشورا نشان داده اند که قادر به تهیه غذای میلیونها میلیون هستند و یا در مراسم اربعین حداقل ۵۰۰ میلیون انواع و اقسام غذاها به زوار داده می شود. این تحقیر شمردن توان داخلی در همه ابعاد قابل ذکر مصداق است. مثل توان تولید داخل را در حد "تولید آبگوشت بز باشی" دانستن یا "ضد انقلاب" خواندن کسانی که تصمیم به عدم خرید خودروی بی کیفیت گرفته و یا.....

۱۰- نقدینگی: ظرف مدت ۴۱ ماه نقدینگی کشور از حدود ۴۰۰ هزار میلیارد تومان به بالای ۱۰۰۰ میلیارد تومان رسیده است. یعنی حدود بیش از دو برابر و نیم و اگر این روند در ۵ ماه آینده ادامه یابد به چهار برابر هم می رسد. عملاً دولت می گوید در برابر غول نقدینگی "ما نمی توانیم" کاری کنیم و نقدینگی را به امان خودش گذاشته است.

۱۱- ادبیات التماس آمیز در دیپلماسی: دولت با رفتار و اقدامهای خود نظیر بد نشستن در مقابل وزیر عرب، تلفن به نخست وزیر انگلیس خبیث، قطع رابطه کشورهایی نظیر سوآن (که قبلاً همراه ایران بود) و غیره ثابت کرد و گفت که "ما نمی توانیم" دیپلماسی فعال و عزت مدارانه ای را ارائه نماییم و کار به ادبیات التماسی کشیده شده است. از همه بدتر اخیراً دولت می گوید "ما نمی توانیم" مقابل این قدرتهای بزرگ بایستیم. در حالیکه امام (ره) می گفت: امریکا هم غلطی نمی تواند بکند.

۱۲- بستن نشریات: دولت بارها اعلام کرد که نمی گذارد منتقدین راحت انتقاد کنند. بارها نشریات و سایت های ارزشی را تعطیل کرد یا از آنها شکایت کرد یا حمایت مالی را از آنها برداشت. به این ترتیب

صرفاً اعلام کرد "ما نمی توانیم" نشریات و سایت های منتقد را تحمل کنیم.

۱۳- بستن دهان منتقد: دولت در ۴۱ ماهه گذشته شاید حدود ۴۱ صفت توهین آمیز و تحقیر کننده و تهدید آور و تحدید زا برای منتقدین به کار گرفته است. اطلاق صفات نظیر ترسو، بزدل، دلوپس، به جهنم، افراتی، تندرو، بی شناسنامه، بی ریشه، و غیره به منتقدان دلسوز از شاهکارهای بدیع دولت یازدهم است. به این ترتیب دولت بارها عملاً اعلام کرد "ما نمی توانیم" با منتقد خود سعه صدر داشته باشیم.

۱۴- قراردادهای مسأله دار: دولت تمام هم و غم خود را روی امضای قراردادهای مسأله دار نظیر قرار دادهای نفتی گذاشت. قرار دادهائی که اگر اصلاح نمی شدند و اگر موفق می شدند دهان کارشناسان خبره را ببندند، دست کمی از قرار داد داری ملعون نداشت. دولت در حوزه نفت و گاز صراحتاً اعلام می کند "ما نمی توانیم" نیروی داخلی و یا حتی کشورهای شرقی را در این حوزه وارد کنیم، توتال و شل را فقط قبول داریم.

۱۵- گرد و غبار و محیط زیست: دولت یازدهم سیاسی ترین فرد خود را بر سازمان محیط زیست حاکم کرده است. لذا در همه زمینه ها فعالیت و بحث هست غیر از تلاش در محیط زیست. دولت عملاً و بیائاً اعلام کرده است در رابطه با گرد و غبار "ما نمی توانیم" کاری کنیم و لذا آن را به امان خدا واگذاشته است. در رابطه با آلودگی کلان شهرها می گوید "ما نمی توانیم" و از مردم می خواهد دعا کنند باران بیاید.

۱۶- حاشیه سازی: دولت مهارت خاصی در ایجاد حاشیه ها دارد. فرمان دست دولت است، ولی به خاکی می زند و گرد و غبار بلند می کند. عملاً در این ۴۱ ماه گذشته دولت همواره می گوید "ما نمی توانیم" از حاشیه ها بیرون بیاییم.

۱۷- ورزش: پس از عدم موفقیت برجسته در المپیک سال جاری، وزیر ورزش می فرمایند: "حد ورزش ما همین است" و آب پاکی روی دست همه می ریزد و خیالها را راحت می کند که: "ما نمی توانیم" حد ورزش را بالا ببریم. بسیاری از کارشناسان معتقدند که دولت به شعار "ما می

توانیم" فکر نمی کند و بلکه ایدئولوژی او "ما نمی توانیم" شده است.

۱۸- قیمت ها و گرانی: بارها در طول ۴۱ ماه گذشته اتفاق افتاده است که قیمت کالائی بدون توجیه و دلیل قانع کننده بالا رفته و چند برابر شده است و دولتمردان مربوط در مواجهه با آن از "ما نمی توانیم" استفاده کرده اند. ماجرای افزایش قیمت مرغ و رسیدن به کیلوئی ده هزار تومان، داستان افزایش ناگهانی خودرو بدون افزایش کیفیت آن، حادثه بالا رفتن نرخ دلار به بالای ۳ هزار تومان، از مصداقهای روشن است که همواره وزیر مربوط گفت: "ما نمی توانیم" قیمت را پائین بیاوریم.

۱۹- برجام: اخیراً در ارتباط با برجام نیز صحبت های قبلی مبنی بر "آفتاب تابان"، "عزت آور" و غیره نقض شده است و عملاً دولت می گوید "ما نمی توانیم" با برجام تحریمها را برداریم. می توان این بادداشت را همچنان ادامه داد و از "ما نمی توانیم" های دولت در رابطه با موارد دیگر گفت. مثلاً:

۱. محکوم کردن حمله عربستان به مجلس عزائی در یمن،
۲. حمایت روشن از سوریه،
۳. جلوگیری از واردات بی رویه برنج،
۴. شکایت از دولت سعودی در رابطه با فاجعه منا و مکه و جلوگیری از حج ایرانیان،
۵. جلوگیری از روند نزولی رتبه علمی کشور،
۶. توسعه عمران و آبادی کشور و اختصاص مبالغ بیشتری به حوزه عمران،
۷. تأمین بودجه دفاعی کشور،
۸. جلوگیری از نصب مدیران فعال در فتنه،
۹. توسعه و ایجاد اشتغال پایدار،
۱۰. انتقال و جابجائی پولهائی آزاد شده به داخل کشور،
۱۱. جلوگیری از قاچاق کالا،
۱۲. امر به معروف و نهی از منکر،
۱۳. حق مأموریت های کلان به سفرهای خارجی و کاهش هزینه های سفر خارجی،
۱۴. عدم نگاه به دست کدخدا،
۱۵. حمایت از کشاورزان و مولدان واقعی،
۱۶. ارائه برنامه ششم،
۱۷. مقاومتی کردن اقتصاد،
۱۸. دانش بنیان کردن اقتصاد
۱۹. و.....

همچنان می توان گفت و نوشت و نوشت و نوشت.

اقامه نماز یا قرائت نماز؟ کدامیک؟

نویسنده: دکتر محمد خلیج امیرحسینی، عضو هیئت علمی دانشکده مهندسی برق دانشگاه علم و صنعت ایران

۱- مقدمه

در قرآن برای ادای نماز بارها و بارها از کلمه متعددی "أَقِمْوْا" و مشتقات آن به معنای "اقامه کردن" یا برپا داشتن استفاده شده است. چند نمونه از تعبیر اقامه نماز که مکرراً در قرآن آمده‌اند، عبارتند از: وَ أَقِمْوْا الصَّلَاةَ، وَ الْمُقِمْوْنَ الصَّلَاةَ، وَ يَقِمْوْنَ الصَّلَاةَ، وَ أَقَامُوا الصَّلَاةَ، وَ إِقَامِ الصَّلَاةَ، وَ أَقِمِ الصَّلَاةَ. تنها به یک نمونه آیه بعنوان تبرک اشاره می‌کنیم: وَ أَقِمْوْا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ اطِيعُوا الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ (النور/۵۶).

این در حالیست که برای ادای نماز از کلمات دیگری همچون "أَفْرَءُوا" به معنای "قرائت کردن" یا خواندن استفاده نشده است. حتی اقامه کردن نماز با "از جا برخاستن" برای ادای نماز نیز متفاوت است. تعبیر "از جا برخاستن"، یک بار برای دستور به گرفتن وضو و یک بار هم برای توصیف نماز منافقین بکار رفته است. یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَ أَيْدِيَكُمْ ... (مائده/۶، ای کسانی که ایمان آورده‌اید هنگامی که به نماز می‌ایستید، صورت و دست‌هایتان را بشویید) - ... وَ إِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كَسَالَى ... (النساء/۱۴۲، و هنگامی که به نماز برمی‌خیزند، با کسالت برمی‌خیزند).

بنابراین آنچه که وظیفه یک مومن است، "اقامه نماز" است که بسیار فراتر از قرائت و خواندن نماز و حتی برخاستن برای نماز است. بی‌دلیل نیست که در زیارت نامه ائمه اطهار (ع) از جمله حضرت سیدالشهداء (ع)، شهادت می‌دهیم که آنها نماز را اقامه کردند. أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ. در نتیجه آنچه در مورد ادای نماز اهمیت دارد و امر شده است، اقامه آن است و نه صرف خواندن آن. چه بسا بعضی منافقین و گمراهانی همچون معاویه، مامون و شمر هم به ظاهر نماز می‌خواندند. ماجرای پیشنهاد مامون به امام رضا (ع) برای برگزاری نماز عید فطر توسط ایشان و سپس جلوگیری وی از ادامه کار بسیار قابل تأمل است.

البته دقت شود که موضوع "اقامه نماز"، غالباً ناظر بر "نمازهای واجب یومیه" است و نه نمازهای مستحبی. می‌دانیم که شرائط لازم برای ادای

نمازهای مستحبی بسیار سهل‌تر و ساده‌تر از شرائط نمازهای واجب است. بعنوان مثال، نمازهای مستحبی را می‌توان در حال حرکت و بدون سوره خواند و نمی‌توان آنها را به جماعت خواند.



۲- مصادیق اقامه نماز

با توجه به مطالب فوق، لازم است تا با مصادیق اقامه نماز آشنا شویم و به آنها عمل کنیم تا شاید در درگاه الهی از برپا کنندگان نماز محسوب شویم. اقامه نماز، هم مصادیق فردی و هم مصادیق اجتماعی دارد. در اینجا مختصراً به ذکر این مصادیق می‌پردازیم. البته قبل از این کار، ابتدا به ذکر دو دلیل برای اصل وجود مصادیق اجتماعی اقامه نماز می‌پردازیم:

الف- از کلمه "أَقِمْوْا" برای موارد مهم اجتماعی همانند اقامه میزان (وَ أَقِمْوْا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ ...)، اقامه دین (أَنْ أَقِمْوْا الدِّينَ) و اقامه شهادت و گواهی (وَ أَقِمْوْا الشَّهَادَةَ لِلَّهِ) نیز استفاده گردیده است. از اینرو اقامه نماز نیز قطعاً جنبه اجتماعی و تأثیرگذاری باید داشته باشد و نباید در حد خواندن ساده نماز معنی شود.

ب- یکی از وظائف مومنانی که به مکتب (اعم از مال یا قدرت) می‌رسند آن است که اقامه نماز کنند. الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ ... (الحج/۴۱)، همان کسانی که هر گاه در زمین به آنها قدرت بخشیدیم، نماز را برپا می‌دارند. از اینرو اقامه نماز قطعاً جنبه اجتماعی و عمومی دارد که در آن قدرت و امکانات مومنین موثرتر خواهد بود و وگرنه چه دلیلی دارد که اقامه نماز به مکتب و قدرت مومنین مرتبط شده باشد.

۱-۲ مصادیق فردی

از جمله مصادیق فردی اقامه نماز می‌توان به آماده شدن برای نماز، ادای اول وقت، گفتن اذان و اقامه، آرامش و حضور قلب، خشوع، تضرع، آراستگی و از همه مهمتر حب و ولایت ائمه اطهار (ع) اشاره نمود.

۲-۲ مصادیق اجتماعی

اقامه نماز مصادیق مهم اجتماعی دارد که می‌بایستی مورد توجه قرار گیرند و نباید از آنها غفلت نمود. سه مصداق مهم اجتماعی عبارتند از به جماعت خواندن نماز، آشکار خواندن نماز و اشاعه نماز، که در اینجا به دو مورد اول می‌پردازیم.

۱-۲-۲ نماز جماعت

قطعاً یکی از مصادیق اجتماعی اقامه نمازهای واجب یومیه، به جماعت خواندن آنها است. قرآن دستور به اقامه نماز و انجام رکوع به همراه رکوع کنندگان (نماز جماعت) داده است. وَ أَقِمْوْا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ ارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ (البقرة/۴۳)، و نماز را بپا دارید و زکات را بپردازید و همراه رکوع کنندگان رکوع کنید. بطور خاص به حضرت مریم (س) نیز دستور به نماز جماعت داده شده است، یا مَرْيَمُ اقْنُتِي لِرَبِّكِ وَاسْجُدِي وَ ارْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ (آل عمران/۴۳، ای مریم برای پروردگار خود، خضوع کن و سجده بجا آور و با رکوع کنندگان رکوع کن).

احادیث و روایات فراوانی در باب اهمیت و تأکید بر نماز جماعت وارد شده‌اند که در اینجا فقط به یک مورد اکتفا می‌شود. در حدیثی از حضرت رسول (ص)، چنین آمده است: لَا صَلَاةَ لِمَنْ لَا غِيبَةَ لِمَنْ صَلَّى فِي الْمَسْجِدِ مَعَ الْمُسْلِمِينَ إِلَّا مِنْ عِلَّةٍ وَ لَا غِيبَةَ لِمَنْ صَلَّى فِي بَيْتِهِ وَ رَغِبَ عَنْ جَمَاعَتِنَا وَ مِنْ رَغَبٍ عَنْ جَمَاعَةِ الْمُسْلِمِينَ سقطت عدالته و وجب هجرته. (وسائل الشیعه/ج ۵/ص ۳۹۴، کسی که بدون هیچ عذری نماز خود را همراه دیگر مسلمانان در مسجد نمی‌خواند نمازش مقبول نیست و غیبت احدی جایز نیست مگر کسی که نمازش را در خانه می‌خواند و در جماعت حاضر نمی‌شود و کسی که به حضور در جماعت مسلمین بی رغبت است از عدالت ساقط و دوری از او واجب است). همین یک حدیث محکم

و تکان‌دهنده بس است تا پی به اهمیت و جایگاه بالای نماز جماعت ببریم.

۲-۲-۲ آشکار نمودن نماز

پر واضح است که بهتر است حتی‌المکان اعمال و عبادات مومن مخفی و غیر آشکار باشند. بعنوان مثال بهتر است اتفاق مخفیانه باشد. **إِنْ تُبْدُوا الصَّدَقَاتِ فَنِعِمَّا هِيَ وَإِنْ تُخْفُوهَا وَتُؤْتُوهَا الْفُقَرَاءَ فَهِيَ خَيْرٌ لَّكُمْ ...** (البقرة/۲۷۱)، اگر اتفاق‌ها را آشکار کنید، خوب است و اگر آنها را مخفی ساخته و به نیازمندان بدهید، برای شما بهتر است. یا اینکه بهتر است دعا و ذکر و تضرع به درگاه الهی، در درون و مخفیانه باشد. **ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً ...** (الأعراف/۵۵)، پروردگار خود را از روی تضرع و در پنهانی بخوانید) - **وَاذْكُرْ رَبَّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً ...** (الأعراف/۲۰۵)، پروردگارت را در دل خود، از روی تضرع و خوف و آهسته ... یاد کن).

اما از طرف دیگر هستند اعمال و عباداتی که باید یا بهتر است آشکار و علنی انجام شوند چرا که جنبه اجتماعی و شعاری آنها غالب و قابل توجه است و چه بسا آشکار بودن آنها جزو ذات و اصل آنها باشد. از جمله این اعمال عبارتند از: نمازهای جمعه، عید فطر، قربان و استسقاء، حج تمتع، فرستادن صلوات، عزاداری امام حسین (ع) و فریاد بر سر ظالمین (مانند شعار مرگ بر آمریکا).

یک مصداق بارز اعمال و عبادات آشکار، مسلمان نمازهای واجب یومیه هستند. اصلاً یکی از عوارض به جماعت خواندن نمازهای یومیه، آشکار و علنی شدن آنها است. امام رضا (ع) در بیان علت به جماعت خواندن نمازهای یومیه، چنین فرموده‌اند: **إِنَّمَا جُعِلَتِ الْجَمَاعَةُ لِنَلَا يَكُونَ الْإِخْلَاصُ وَ التَّوْحِيدُ وَ الْإِسْلَامُ وَ الْعِبَادَةُ لِلَّهِ أَلَّا ظَاهِرًا مَكْشُوفًا مَشْهُورًا** (وسائل الشیعه/ج ۵/ص ۳۷۲، علت تشریع نماز جماعت آن است که اسلام و توحید و بندگی و اخلاص به خداوند متعال آشکار، باز و مشهور باشد). بی‌دلیل نیست که یکی از سنن دین اسلام آن است که باید صدای اذان نماز جماعت بصورت رسا از مناره‌های مساجد پخش شوند. در واقع با اینکار اقامه نماز را داد می‌زنیم.

یک شاهد دیگر برای آشکار نمودن نمازهای یومیه، آشکار و علنی خواندن نماز ظهر روز عاشورا توسط حضرت سیدالشهداء (ع) و یارانش می‌باشد. ایشان می‌توانستند دستور دهند آن نماز را در جای خلوت، سایه و دور از تیررس دشمن بخوانند ولی دقیقاً زیر تابش نور خورشید و در منظر همگان خواندند.

در کلامی دیگر، نماز ستون و رکن دین است و یقیناً جزو شعائر الهی به شمار می‌رود و شعائر الهی را باید تعظیم کرد و بزرگ داشت. **ذَلِكَ وَمَنْ يُعْظَمْ شَعَائِرُ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ** (الحج/۳۲)، این است، و هر کس شعائر الهی را بزرگ دارد، این کار نشانه تقوای دلهاست. لازمه تعظیم شعائر هم، علنی و پرشکوه نمودن آنها و نه مخفی کردن آنها است.

۳- آفات اقامه نماز

هر عمل و عبادتی آفاتی دارد، همانطور که درخت میوه آفت دارد. بعنوان مثال تحصیل علم آفات زیادی دارد که یکی از مهمترین آنها عجب و غرور است. اقامه نماز هم همانند هر عملی که بصورت آشکار و علنی انجام می‌شود، ممکن است آفاتی را به همراه داشته باشد.

یک آفت مهم این است که احتمال "ریا نمودن" بالا رود که البته ریا، آن هم برای نماز، بسیار مورد مذمت است. **فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ - الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ - الَّذِينَ هُمْ يُرَاءُونَ** (الماعون/۴-۵-۶)، پس وای بر نمازگزارانی، که در نماز خود سهل‌انگاری می‌کنند، همان کسانی که ریا می‌کنند. آفت دیگر ممکن است این باشد که کسی بخواد از فضای عمومی اقامه نماز کسب وجهه و موقعیت نماید و به زعم خود امتیازاتی دنیوی را بدست آورد. این آفت هنگامی که مومنین در راس قدرت هستند بیشتر و مضرتر خواهد بود.

بلی همه اینها درست است ولی آیا برای رهایی از آفات یک موضوع باید اصل موضوع را منتفی نمود؟ آیا برای رهایی از آفات درخت میوه باید درخت میوه نکاشت؟ آیا برای رهایی از آفات علم باید تحصیل علم نکرد؟ آیا مگر حضرت رسول (ص)، نمازها را در مسجدالنبی به جماعت اقامه نمی‌کردند و سپس به امور زندگی و مشکلات مردم در همان جا نمی‌پرداختند؟ ظاهراً عده‌ای منافق از این فضا سوء استفاده می‌کردند ولی می‌بینیم که حضرت رسول (ص) و سپس حضرت علی (ع) و امام حسن (ع) که حاکم مسلمین بودند همین سنت و رویه را ادامه دادند.

برای پرهیز از آفات اقامه نماز بطور عام و شرکت در نماز جماعت بطور خاص، راهی جز تقویت بنیه ایمانی و بی‌اعتنایی به وسوسه شیطان نیست. دقیقاً خود این یک وسوسه شیطانی است که بگوئیم برای پرهیز از ریا، در نماز جماعت مومنین شرکت نکنیم، یا نماز خود را در خفا بخوانیم. مگر نماز واجب یومیه جرم و خلاف است که بخوایم آنرا در خفا و پنهانی

انجام دهیم؟ حتی متأسفانه ممکن است معبود افرادی، به بهانه دوری از آفات ریا و امتیازطلبی، نه تنها خود را از اقامه نماز محروم کنند بلکه مرتکب سوء ظن و تهمت به اقامه کنندگان نماز شوند و حاضران در نماز جماعت را متهم به ریا، نفاق و منفعت‌طلبی کنند.

نتیجه:

نمازها به دو دسته مستحبی و واجب تقسیم می‌شوند. نمازهای مستحبی را همانند اعمالی همچون اتفاق و ذکر بهتر است حتی‌الامکان در خفا و دور از انتظار عمومی خواند. اما نمازهای واجب علی‌الخصوص نمازهای یومیه را باید اقامه نمود و در این راستا حتی‌الامکان آشکار و علنی و با جماعت خواند. البته در همه اعمال خود، از جمله اقامه نماز، باید ضمن دوری از آفاتی همچون ریا و امتیازطلبی، از وسوسه شیطانی همچون رها کردن آن اعمال به بهانه دوری از آفات آنها پرهیز کنیم.

در انتها باید دعا کنیم که خداوند ما و نسل ما را از اقامه کنندگان نماز قرار دهد. **رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَ تَقَبَّلْ دُعَاءِ** (ابراهیم/۴۰)، پروردگارا مرا برپا کننده نماز قرار ده، و از فرزندانم نیز، پروردگارا دعای مرا بپذیر. انشاء ...



وسع، تکلیف، سعی

نویسنده: دکتر محمد خلیج امیرحسینی، عضو هیئت علمی دانشکده مهندسی برق دانشگاه علم و صنعت ایران

تکلیف را میزان سعی و تلاش افراد قرار داده است. هر کس بیشتر تلاش کند، اجر بیشتری خواهد داشت. در این زمینه عبارات روشنی در قرآن وجود دارد:

وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى - وَ أَنَّ سَعْيَهُ سَوْفَ يَرَى (نجم/۳۹-۴۰)، و اینکه برای انسان بهره‌ای جز سعی و کوشش او نیست. و اینکه تلاش او بزودی دیده می‌شود) - يَوْمَ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ مَا سَعَى (النازعات/۳۵، در آن روز انسان به یاد کوششهایش می‌افتد).

خداوند آخرت خوب هر انسان مومنی را صراحتاً نتیجه سعی او می‌داند. وَ مَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَى لَهَا سَعْيَهَا وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَئِكَ كَانَ سَعْيُهُمْ مَشْكُورًا (الاسراء/۱۹)، و هر کس که سرای آخرت را بطلبد، و برای آن سعی و کوشش کند، در حالی که ایمان داشته باشد، سعی و تلاش او پاداش داده خواهد شد. - إِنَّ هَذَا كَانَ لَكُمْ جَزَاءً وَ كَانَ سَعْيُكُمْ مَشْكُورًا (الانسان/۲۲، این (بهبشت) پاداش شماست، و سعی و تلاش شما مورد قدردانی است).

نتیجه: درک و بکارگیری سه ضلع مثلث وسع، تکلیف و سعی عاملی حیاتی در زندگی دنیوی و بالخصوص اخروی انسان‌ها است. هر کدام از ما انسان‌ها در زمینه‌های مختلف دارای وسع هستیم و به اندازه وسعمان تکلیف داریم. باید تمام توان خود را برای انجام تکالیف بگذاریم و هر چقدر در این مسیر سعی کنیم بهره بیشتری در آخرت خواهیم داشت و از خداوند پاداش می‌گیریم. امیدواریم در جمع بهشتیان از سعی و تلاش خود راضی باشیم. لِسَعْيِهَا رَاضِيَةٌ (الغاشیه/۹، آنها از سعی و تلاش خود خشنودند). انشاء...



هم بیشتر خواهد بود. همچنین هر چه تلاش می‌کنیم تا وسعمان بیشتر شود در واقع داریم تلاش می‌کنیم تا تکالیفمان هم بیشتر شود. در اینجا به ذکر چند مثال در این زمینه می‌پردازیم:

- مسلماً کسی که وسع مالی بیشتری دارد، تکلیف بیشتری برای انفاق و حل مشکلات مالی محرومین دارد. لَيَنْفِقَنَّ ذُو سَعَةٍ مِنْ سَعَتِهِ ... (طلاق/۷، آنان که وسع (مالی) دارند باید از وسع خود انفاق کنند) - ... عَلَى الْمُوسِعِ قَدَرُهُ وَ عَلَى الْمُقْتِرِ قَدَرُهُ ... (بقره/۲۳۶، آن کس که وسع دارد، به اندازه خودش و آن کس که تنگدست است، به اندازه خودش).

- مسلماً تکلیف یک استاد دانشگاه یا یک دانشجو در رفع معضلات و مشکلات مختلف جامعه بیشتر از تکلیف دیگر اقشاری است که وسع علمی کمتری دارند.

- مسلماً تکلیف دانشگاهیان در اعتراض به تصویب ننگ‌نامه‌های ذلت‌باری همچون ترکمانچای قاجاری، کاپیتولاسیون پهلوی و برجام تدبیری، بیشتر از تکلیف دیگر اقشاری است که وسع اطلاعات کمتری دارند.

- مسلماً تکلیف مدیریت و رئیس یک دانشگاه در گسترش اقامه نماز بیشتر از دیگر دانشگاهیان است چون وسع آنها در اختیارات و امکانات بیشتر از دیگران است و قطعاً اذیت و حتی اخراج اساتید با سودای که همت بالایی در اقامه نماز دارند، در جهت عکس انجام این تکلیف آنها بوده و مجازات الهی را در پی خواهد داشت.

- مسلماً تکلیف ما ایرانیان در کمک به مسلمانان مظلوم جهان در مقابل ستمگرانی همچون آمریکا، اسرائیل، عربستان سعودی و داعش بیشتر از دیگران است چرا که وسعمان از جنبه‌های مختلفی از جمله داشتن ولایت ائمه اطهار (ع)، ولایت فقیه، ثبات و امنیت، فقاقت، شجاعت و غیرت و تسلیحات نظامی بیشتر از مردم کشورهای دیگر است.

۳- سعی:

انجام کامل تکالیف آن هم در حد وسع، بسی سخت و نگران‌کننده برای هر انسان مومن به روز حساب است. اما خوشبختانه خداوند متعال ملاک انجام

در قرآن کریم عباراتی وجود دارند که بعضی از آنها با بعضی دیگر ارتباطی مستقیم یا غیر مستقیم دارند. در اینجا به سه عبارت وسعت، تکلیف و سعی در حد بسیار سطحی و گذرا می‌پردازیم.

۱- وسع:

انسان‌ها در جنبه‌های مختلف زندگی از جمله مالی، علمی، فکری، معنوی، جسمی، استعدادی و غیره دارای وسع می‌باشند و این وسع در هر فرد با فرد دیگری متفاوت بوده و به عبارت دیگر بر یکدیگر فضیلت دارند. این واقعیت برای عموم انسان‌ها و حتی انبیاء الهی (ع) هم وجود دارد و در قرآن به آن اشاره شده است: اَنْظُرْ كَيْفَ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ ... (اسراء/۲۱) - وَ تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ ... (بقره/۲۵۳).

۲- تکلیف:

در دیدگاه جهان‌بینی الهی، هر انسانی دارای تکلیف خاص خود است و بر اساس همان تکلیف در آخرت و حتی در این دنیا مورد سوال قرار می‌گیرد. بر همین اساس بارها و بارها حضرت امام خمینی (ره) می‌فرمودند که ما مامور به انجام تکلیف هستیم. نکته آن است که نوع و شدت تکلیف انسان‌ها متناسب با نوع و گستره وسع آنها می‌باشد. در قرآن عباراتی وجود دارند که به این معنی اشاره دارند: لَا يَكْلَفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا ... (بقره/۲۸۶، خداوند هیچ کس را، جز به اندازه وسعش، تکلیف نمی‌کند) - ... لَا تُكْلَفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعُهَا ... (بقره/۲۳۳، هیچ کس مکلف نشده است مگر به اندازه وسعش) - ... لَا تُكْلَفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعُهَا ... (اعراف/۴۲، هیچ کس را جز به اندازه وسعش تکلیف نمی‌کنیم) - ... لَا يَكْلَفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا ... (طلاق/۷، خداوند هیچ کس را، جز به آنچه که به او داده است، تکلیف نمی‌کند).

در اینجا باید دقت نمود که در مواجهه با این نوع عبارات اولین چیزی که ممکن است به ذهن خطور کند نوعی آرامش خیال است که بلی خداوند از ما تکلیف زیادی نمی‌خواهد و ما جز به اندازه وسع خود تکلیف نداریم. اما روی دیگر مسئله آن است که خداوند از ما تکالیفی را خواسته است و هر چه وسع ما در ابعاد مختلف زندگی بیشتر باشد، آن تکلیف



برگزاری برنامه‌های روز دانشجو

همچون سال‌های گذشته در شانزدهم آذر ماه مقارن با روز دانشجو برنامه‌های مختلفی در سطح دانشگاه برگزار گردید. لیکن علی‌رغم تعداد به نسبت بالای این برنامه‌ها از نظر دیدگاه فکری و سیاسی اکثر این برنامه‌ها در راستای یک تفکر سیاسی خاص و همسو با دولت تنظیم شده بود و عملاً در دانشگاه فضای تک صدایی را حاکم کرده بود. ضمناً در برخی از این برنامه‌ها افراد حامی فتنه ۸۸ حضور به هم رسانده و از مواضع فتنه‌انگیزانه گذشته خود ابراز خشنودی نمودند. همچنین به موازات این برنامه‌ها انتشار نشریات دانشجویی با فرکانس بالایی در هفته‌های اخیر در جریان بود. متأسفانه در برخی محتوای منتشر شده در نشریات نیز خط فتنه ۸۸ دنبال شده است. به نظر می‌رسد مسئولین فرهنگی و دانشجویی دانشگاه باید نظارت بیشتری بر مطالب منتشر شده در نشریات داشته باشند.

جذب و دفع اساتید جوان

اخبار رسیده حاکی از آن است که برخی متقاضیان عضویت هیأت علمی دانشگاه که پیشتر در فرآیندهای ارزیابی، فاقد صلاحیت عمومی و/یا تخصصی شناخته شده بودند، مجدداً توسط دبیرخانه جذب به دانشکده‌ها معرفی شده و برخی هم در صف بررسی نهایی در هیأت جذب جهت استخدام هستند. این در حالی است که بسیاری افراد که بورسیه دانشگاه علم و صنعت ایران بوده‌اند در هنگام مراجعت به دانشگاه با شرایط سخت و عجیبی مواجه می‌شوند و در ماه‌های اخیر بسیاری از آنها علیرغم داشتن کارنامه علمی قوی، نامه عدم نیاز دریافت کرده‌اند. همچنین گزارش‌ها حاکی از آن است که اخیراً تعداد قابل توجهی استاد جذب دانشگاه و به ویژه یک دانشکده خاص نزدیک به مدیریت دانشگاه شده‌اند. به همه این عزیزان خیر مقدم می‌گوییم و آرزوی موفقیت برای آنها داریم و خوشحال از آن هستیم که همانند اساتید جوان جذب شده در سالهای قبل اذیت نخواهند شد

و با آرامش به مسائل علمی و آموزشی خود مشغول خواهند بود.

برگزاری روز پژوهش در دانشگاه

روز پژوهش در هفته آخر دی ماه در دانشگاه با حضور معاون محترم علم و فناوری رییس جمهور برگزار شد. در این جلسه گزارش کاملی از دستاوردهای پژوهشی دانشگاه ارائه شد. در این مراسم استاد بسیجی دکتر احمد چلداوی عضو شورای راهبردی بسیج اساتید موفق به کسب رتبه اول ارتباط با صنعت دانشگاه شد. اگر چه این مراسم با شکوه و کیفیت مناسبی برگزار شد لیکن از حواشی تأسف بر انگیز این مراسم استفاده مهمانداران سلف پذیرایی از اساتید از کراوات بود. با توجه به فتوای صریح اکثر مراجع عظام درباره عدم جواز استفاده از کراوات، این اتفاق در یک دانشگاه تراز اول دولتی که مکانی برای فرهیختگان کشور اسلامی و انقلابی است بسیار عجیب و غیر قابل قبول به نظر می‌باشد.

ادامه روند غیر قانونی جلوگیری از فعالیت استاد

دانشکده مهندسی عمران

همانطور که پیش‌تر در نشریه اطلاع‌رسانی شد، از چند ماه پیش اقدامات تأمل‌برانگیزی بر علیه یکی از اساتید دانشکده مهندسی عمران صورت گرفت و نهایتاً ایشان را خارج از مسیر هیئت جذب اخراج نمودند. این اقدامات غیرقانونی در گام اول با مخالفت اساتید و برخی مسئولان مواجه شد اما علی‌رغم تذکرات افراد دلسوز، تیم مدیریت دانشگاه بر اقدامات غیرقانونی صورت گرفته اصرار داشته و دارد. از چندی پیش و با توجه به نگرانی‌های بوجود آمده، وزارت علوم تحقیقات و فناوری اقدام به بررسی موضوع کرده و نهایتاً هیأت بازرسی اذعان به غیرقانونی بودن اقدامات صورت گرفته توسط مدیریت دانشگاه نمود و دستور به بررسی درخواست تبدیل وضعیت این استاد نمود. امید است مدیریت دانشگاه با تمکین به قانون و دستور وزیر علوم، بیش از این باعث خدشه نسبت به کرامت اساتید و آرامش فضای علمی دانشگاه نشوند.

نشریه فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و علمی بسیج اساتید دانشگاه علم و صنعت ایران



مطالب منتشر شده در نشریه لزوماً موضع بسیج اساتید دانشگاه نیست.

نشریه نبأ از هرگونه انتقاد، پیشنهاد یا مطالب ارسالی دانشگاهیان محترم به ویژه اساتید محترم استقبال می‌کند. جهت ارسال مطالب خود، آنها را به آدرس الکترونیکی naba@iust.ac.ir ارسال فرمائید.

صاحب امتیاز:
بسیج اساتید دانشگاه علم و صنعت ایران

مدیر مسئول: حسین صالح زاده
سردبیر: محمد خلیج امیرحسینی